

طوفانِ الاقصی؛ فعالِ کننده ظرفیت‌های تقریبی جهان اسلام



دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به اثرگذاری طوفانِ الاقصی در وحدت میان کشورهای اسلامی گفت: طوفانِ الاقصی سبب شد تا یارگیری رژیم صهیونیستی با پیشبرد طرح‌هایی مانند آبراهام که در تعارض با وحدت جهان اسلام بود متوقف شده و در حاشیه قرار گیرد و لذا امروز دیگر کسی جرئت نمی‌کند درباره رابطه با رژیم غاصب صهیونیستی سخن بر زبان آورد.

به گزارش خبرگزاری تقریب، وحدت و تقریب؛ کلیدواژه‌هایی هستند که رهبر معظم انقلاب بارها در بیاناتشان خطاب به مسئولان و دیگر مسلمانان جهان مورد تأکید قرار داده‌اند. نباید به مقوله وحدت نگاه شعاری داشت بلکه عملی کردن آن تأثیر بسزایی در خنثی کردن توطئه‌های دشمنان جهان اسلام دارد. تحقق وحدت در میان مسلمانان نیازمند کار فرهنگی و تبلیغی است و به همین منظور مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی شکل گرفت تا پیش‌برنده گفتمان وحدت در جهان اسلام باشد.

به منظور تبیین ابعاد مختلف وحدت و تقریب در جهان اسلام، نقش طوفانِ الاقصی در تحقق وحدت امت اسلام و ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی در میان کشورهای اسلامی و تبدیل آن به یک الگوی موفق در عملیاتی کردن

وحدت با حجت الاسلام والمسلمین حمید شهریاری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانیم.

ایکنا- جمهوری اسلامی ایران همیشه پرچمدار وحدت در جهان اسلام بوده و آن را به عنوان یک راهبرد در نظر گرفته ولی تا پیش از طوفان‌الاقصی ضرورت وحدت در جهان اسلام تا این حد احساس نشده بود، به نظر حضرتعالی تحولات یک سال اخیر به ویژه عملیات طوفان‌الاقصی چقدر تبدیل مسئله وحدت به یک موضوع عینی را با اهمیت کرده و سبب شده نخبگان جهان اسلام متوجه شوند اگر خلأ وحدت وجود نداشت قطعاً جنایات رژیم صهیونیستی ادامه نمی‌یافت؟

هرگاه انسان با چالش مواجه می‌شود؛ فکر، ذهن و عملش شروع به فعالیت می‌کند. یعنی تبدیل فکر به چاره‌اندیشی و سپس تبدیل آن به عملیاتی که قبل از آن میسور و مقدور نبوده است. معمولاً بحران‌ها و فشارها انسان‌ساز هستند؛ وقتی انسان تحت فشار قرار می‌گیرد مجبور به استفاده از ظرفیت‌های نهفته خود می‌شود و این ظرفیت‌های نهفته باعث تبلور وجود ثانی از وجود اولی می‌شود که هنوز تحت فشار قرار نگرفته است.

با بررسی تاریخ بزرگان جهان اسلام و دنیا متوجه خواهیم شد بسیاری از کسانی که توفیقات گسترده داشتند در سطح شخصی، حقیقی و حقوقی در جایگاه‌هایی بودند که تحت فشار قرار گرفته‌اند و این فشارها سبب شده تا ظرفیت‌ها و ارزش‌های نهفته خودشان را به منصف‌ظهور برسانند. طبیعتاً جهان اسلام ظرفیت عظیم امت‌سازی را در درون خود نهفته و این مانند یک قدرت لایزالی است که عنایت الهی را پشت‌سر خود دارد.

بعد از جنگ جهانی دوم افتراق دولتی در جهان اسلام شکل گرفت و سه امپراتوری شبه‌قاره هند، عثمانی و ایران توسط استعمار تکه‌تکه شدند و به کشورهای متکثر و متعددی که امروزه با آنها روبه‌رو هستیم تبدیل شدند؛ در واقع استعمار با کوچک‌سازی دولت‌ها و ایجاد انشقاق بین ملت‌ها و ترسیم مرزها به طوری که قومیت‌ها در دو طرف مرز حضور داشته باشند منجر به تشدید اختلافات مرزی شدند و همچنان این ظرفیت عظیم اختلاف میان ملت‌های منطقه حضور دارد.

طبیعتاً دو ظرفیت اختلاف و جنگ با تشکیل امت واحده اسلامی در تعارض هستند اما باید در نظر داشت با اتحاد میان سه حوزه تمدنی که به آن اشاره شد می‌توان به یک حاکمیت در سطح گستره جهانی با تفکر و ایده اسلامی دست یافت و این مهم تنها از طریق وحدت امکان‌پذیر است. اختلافات بعد از جنگ جهانی دوم

که توسط استعمار در منطقه تخم‌گذاری شده عایدی برای ملت‌ها نداشته به جز اینکه به تنازع و تفرقه دامن بزند.

بعد از انقلاب اسلامی ایده تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی از سوی امام راحل مطرح شد و اندیشه وحدت، پیشگیری از درگیری‌های قومیتی و مذهبی و حتی ملی و اینکه مسلمانان برادر یکدیگر هستند و می‌توانند امت واحد را شکل دهند، طرح و پیگیری شد. این اندیشه پس از امام راحل به وسیله رهبر معظم انقلاب تداوم یافت و با تقویت گروه‌ها و نحله‌های فکری که به دنبال آزادی‌خواهی بودند تداوم پیدا کرد و لذا با ضمیمه شدن اینها به انقلاب اسلامی حرکت نوینی بنیان گذاشته شد.

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا این خطر را از همان ابتدای انقلاب احساس و تلاش زیادی کرد تا ظرفیت‌های اختلافی و نزاعی را در این گستره منطقه‌ای توسعه دهد و به همین دلیل ایجاد شقاق را در دستور کار خود قرار داد که مهمترین آن طی صد سال اخیر تأسیس دولت اسرائیل بوده تا از این غده سرطانی برای اعمال فشار بر حاکمان منطقه استفاده کند که بالاترین نوع آن علیه حکومت اردن به کار گرفته شده و به همین دلیل حاکمان اردن به سرسپرده این رژیم تبدیل شده‌اند و در سطوح پایین‌تر هم از رژیم صهیونیستی به عنوان اهرم فشار علیه مصر و عربستان استفاده شده است.

ایکنا - آیا عملیات طوفان‌الاقصى منجر به وحدت میان مسلمانان شده است؟

استکبار باند جنایتکاری را بر منطقه ما حاکم کرده تا با ایجاد رعب و وحشت و حتی جنگ که نمونه آن طی یکسال اخیر اتفاق افتاده، درصدد تحریک شکاف‌های قومیتی برآید ولی متوجه نبودند شاید خود این موضوع نوعی اتحاد و وحدت را میان کشورهای مسلمان به دنبال داشته باشد.

وقتی انسان با بحران مواجه می‌شود سعی بر یارگیری دارد. به نظر من طوفان‌الاقصى سبب شد تا یارگیری رژیم صهیونیستی با پیشبرد طرح‌هایی مانند آبراهام و پروژه‌هایی همچون عادی‌سازی روابط با این رژیم که در تعارض با وحدت جهان اسلام بودند متوقف شوند؛ به عبارت بهتر از روی میز برداشته شدند و به لایه‌های زیرین رفته و در حاشیه قرار گرفته‌اند و لذا امروز دیگر کسی جرئت نمی‌کند درباره رابطه با رژیم غاصب صهیونیستی سخن بر زبان آورد.

از سوی دیگر ظرفیت‌های تقریب و قومیتی در جهان اسلام در حال تبدیل شدن به یک ائتلاف ناخوانده هستند و نوعی همگرایی را میان اینها به وجود آورده است. مثلاً مشاهده کردید وقتی اسرائیل به کشور ما

تجاوز کرد این تجاوز با محکومیت کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی مواجه شد. از سوی دیگر پس از چندین سال از سرگیری روابط میان ایران و مصر و اردن کلید خورده و همه اینها حاصل ظرفیت‌هایی است که در جهان اسلام وجود دارد.

دیپلماسی وحدت در سه لایه در حال پیگیری است؛ یکی لایه مردمی است یعنی ما قدرت رسانه، اینترنت و فضای مجازی را سه حوزه تمدنی جهان اسلام که به آن اشاره شد به کار گرفته‌ایم و معتقدیم هر انسانی که در حوزه‌های تمدنی جهان اسلام زیست می‌کند یک رسانه محسوب می‌شود و این ابزار قبلاً در اختیار نبوده ولی امروزه به لطف شبکه‌های اجتماعی در دسترس هستند.

شبکه‌های اجتماعی سبب آشنایی سیل عظیمی از افکار عمومی با تفکرات حضرت امام خمینی(ره) شد؛ هر چند این افکار ۴۰ سال پیش مطرح شدند ولی ابزار ابلاغ و رساندن پیام وجود نداشت ولی تقریباً ۱۵ سال است که شاهد فراگیر شدن و باز نشر تفکرات امام راحل در شبکه‌های اجتماعی هستیم و تأثیر خود را بر دیپلماسی عمومی وحدت گذاشته است.

لایه دوم مربوط به دیپلماسی علمایی است؛ طبیعتاً در گذشته علما دیدارهای اندکی با هم داشتند و باید اتفاق نادری رخ می‌داد تا یک عالم بزرگ شیعی با یک عالم بزرگ اهل سنت گفت‌وگو می‌کرد چون هم رفت‌وآمد مشکل بود و هم وسایل ارتباطی فراگیر نبود ولی امروز این خلأها برطرف شده‌اند و همین موضوع ظرفیت دیپلماسی علمایی را برای وحدت جهان اسلام گسترش داده است.

طی همین دو سه سالی که در مجمع تقریب حضور دارم بیش از ۵۰ شخصیت برتر جهان اسلام را ملاقات کرده‌ام، قرارهایی گذاشته شد، شک و شبهات بررسی و مبادله شدند و سعی ما ترویج گفت‌وگو و پیشگیری از اختلافات بود البته بعضاً با مقاومت‌هایی روبه‌رو شدیم ولی در نهایت با گفت‌وگو برطرف و به وحدت رویه انجامید یعنی هرچند در ابتدای جلسه مواجهه مثبتی را شاهد نبودیم اما در انتهای جلسه با مواجهه مثبت روبه‌رو شدیم.

لایه سوم هم مربوط به دیپلماسی است؛ همین که عادی‌سازی رابطه با رژیم غاصب صهیونیستی از روی میز به زیر میز منتقل شده ولو اینکه هنوز منتفی نشده باشد می‌تواند یک بُرد بزرگ محسوب شود یعنی از همان ابتدای کار کسانی که می‌خواهند جرمی را مرتکب شوند ابتدا به خود جرم فکر می‌کنند بعد حرفش را می‌زنند و بعد یارگیری می‌کنند و سپس عمل می‌کنند و اینها در حال یارگیری بودند ولی ما کاری کردیم که اینها نه تنها نتوانند یارگیری کنند و حرفش را بزنند بلکه به آن هم فکر نکنند و از

اولویت خارج شود و زیر میز بگذارند.

امروز ظرفیت‌های عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی منتفی و از روی میز کنار گذاشته شده است و این خود نوعی برد محسوب می‌شود که در صحنه دیپلماسی دولتی وحدت به آن دست پیدا کرده‌ایم. درست است که این وحدت نیست ولی وقتی نقطه مقابلش کمرنگ شود خود به نوعی حرکت به سمت وحدت محسوب می‌شود و همین که ضد وحدت از روی میز برداشته شود به نفع ماست.

این سه لایه طی یکسال اخیر پیشرفت‌ها و اثرات بسیاری داشته و حتی مردمان جهان هم پس از طوفان‌الاقصی نسبت به ظلمی که به مردم مظلوم غزه وارد شده احساس درد می‌کنند و همدردی خودشان را هم ابراز کرده‌اند.

ایکنا- مسئله وحدت یک امر تدریجی است، مجمع تقریب به عنوان حلقه واسطه میان افشار مختلف چه اقداماتی برای تبدیل وحدت به یک گفتمان اجتماعی در جامعه و فراگیر شدن آن به عنوان یک مطابۀ عمومی از دولت‌ها در کشورهای مختلف جهان اسلام انجام داده است؟

طی دو سال اخیر علاوه بر پیگیری دیپلماسی علمایی حوزوی، پیگیر دیپلماسی دانشگاهی هم بودیم و با عنوان کرامت انسانی برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی را به صورت منطقه‌ای دنبال می‌کنیم که در ترکیه و عراق و ایران برگزار خواهند شد. به همین منظور اولین جلسه هم‌اندیشی برگزاری چنین کنفرانس‌هایی ۲۱ آبان ماه در دانشگاه فردوسی مشهد با حضور بیش از ده رئیس دانشگاه‌های خارج از کشور و ۲۵ رئیس دانشگاه‌های داخلی و با مشارکت اعضای هیئت علمی برگزار می‌شود و همانطور که گفتم این نشست با موضوع کرامت انسانی با ریزموضوع چالش‌های خانواده در جهان معاصر برگزار خواهد شد. بنابراین ما علاوه بر برگزاری کنفرانس‌های موسمی، منطقه‌ای و موضوعی در تلاش برای برگزاری کنفرانس‌های دانشگاهی هم هستیم.

اما ما نباید تقریب و وحدت را یک هدف سازمانی تلقی کنیم و از یک سازمان طلب داشته باشیم که چنین کاری را انجام دهد. وحدت، تقریب و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر دارای مفاهیم اجتماعی بسیار گسترده در سطوح مختلف اجتماعی است و باید تک‌تک آحاد حقیقی و حقوقی یک ملت دست به دست هم دهند تا این همگرایی را ایجاد کنند و واگرایی‌ها با تلاش همه نهادها و انسان‌ها قابل رفع هستند.

طبیعتاً مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که با هدف تحقق تقریب از طریق همگرایی علمایی و حوزه‌های

علمیه تأسیس شده فعالیت‌های بیش از ۳۰ سال خود را پیگیری کرده ولی واقعاً اگر به دنبال هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هستیم تحقق این موضوع تنها از طریق یک سازمان امکان‌پذیر نیست. به عبارت بهتر مجمع تقریب می‌تواند بستر مناسبی برای برخی از اینها باشد نه برای همه اینها؛ مثلاً من فکر می‌کنم در حوزه دانشگاهیان بهتر است اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر جهان اسلام بنشینند و در مورد یک معضلی در جهان اسلام مانند خانواده صحبت کنند. امروز زیست خانواده به خاطر تفکرات لیبرال چالش‌هایی را تحمل می‌کند و لذا ما باید اینها را بررسی و پیگیری کنیم تا به بستری برای همگرایی تبدیل شود و یا دیگر ارزش‌های که کم‌رنگ شده‌اند موضوع این گفت‌وگوها قرار گیرند.

اما در بعضی از حوزه‌ها شاید بتوان از آن سخن گفت ولی ابزار لازم در اختیار ما قرار ندارد مثلاً همگرایی میان تجار در یک بستر اقتصادی و در بازار شکل می‌گیرد. نهایتاً ما بتوانیم تاجر را گرد هم آوریم ولی نهادهای نیستیم که از چنین جلساتی اثربخشی را لازم در حوزه‌های اقتصادی رقم بزنیم و در نهادهایی مانند بریکس و شبیه آن پیگیری شود. پس حوزه اقتصادی یک حوزه تخصصی است که همگرایی در آن نیازمند افراد متخصص است.

مجمع تقریب باید بیشتر در حوزه‌های فرهنگی هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی کار کند و یا در حوزه حقوقی ظرفیت استفاده از حقوقدانان جهان اسلام را داریم تا عناصر حقوقی ضد وحدت و یا وحدت‌بخش را بررسی کنند ولی باز هم در این زمینه سازمان‌های حقوقی مختلفی وجود دارند که می‌توانند آن را پیش ببرند و به همین دلیل ترجیح ما این است به جای انجام کار مشابه، به این سازمان‌ها کمک شود تا نهادهای مانند ستاد حقوق بشر ایران کار خود را به بهترین شکل پیش ببرند.

به طور کلی هر نهادی که بتواند همگرایی را در منطقه ایجاد کند به حوزه اختیارات آنها ورود پیدا نمی‌کنیم ولی همیشه به عنوان یار و یاور در کنارشان قرار داریم اما آنچه که برای ما مهم است انجام فعالیت‌های فرهنگی است.

مشکلی که امروزه با آن مواجه هستیم، ضعف در نظریه‌پردازی در حوزه وحدت است. اصلاً اینکه تقریب چه هست؟ وحدت چه هست؟ چه لایه‌هایی دارد؟ درون این لایه‌ها چه شاخص‌هایی را برای وحدت می‌توان تدوین کرد؟ نمره ایران یا دیگر کشورها در تدوین این شاخص‌ها چند است؟ اینها موضوعاتی هستند که در آنها ضعف دارند و باید بررسی شوند.

اخیراً GPI یا شاخص‌های صلح جهانی را بررسی می‌کردم که سالانه طراحی و اندازه‌گیری می‌شوند و به

تازگی گزارش ۲۰۲۴ آن منتشر شده که ایران ۱۴ پله صعود کرده بود. ما باید بیشتر به این گفتمان پردازیم که وحدت و تقریب چه شاخص‌هایی دارند و بعد از تدوین این شاخص‌ها بتوانیم آنها را اندازه‌گیری و ارزیابی کنیم و اینکه آیا در این عرصه پیشرفت داشته‌ایم یا پس‌رفت. در این گزارش درباره صلح جهانی صحبت شده نه جنگ جهانی ولی واقعیتش آن است که در همین GPI حدود ۷۰ درصد گزارش‌ها و شاخص‌ها مربوط به هزینه‌های نظامی است و لذا وقتی ترس از جنگ و دشمن افزایش پیدا کند طبیعتاً کشورها و دولت‌ها حس می‌کنند باید هزینه بیشتری برای افزایش قدرت نظامی پردازند اما من معتقدم هرچقدر وحدت و تقریب بیشتر شود، اتحادیه شکل بگیرد، پول واحدی به وجود آید و مرزها کم‌رنگ شوند و رفت و آمد بین ملت‌ها شکل بگیرند تهدیدات از بین خواهند رفت.

حوزه دیگری که به نظر من می‌تواند به وحدت کمک کند بحث گردشگری فرهنگی است؛ یعنی باید کاری کرد تا ملت‌های کشورهای اسلامی با آداب و رسوم یکدیگر آشنا شوند و به حساسیت‌های هم پی ببرند و بتوانند آنها را مراعات و شاخص‌های زیست مسالمت‌آمیز را تقویت کنند و فرهنگ مدارا را توسعه دهند و تنها از طریق گردشگری فرهنگی که اسم آن را گردشگری تقریبی گذاشته‌ایم قابلیت اجرا دارد.

باید تلاش کنیم تعداد گردشگران فرهنگی در کشورهای مختلف اسلامی گسترش پیدا کند. یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری وحدت تعداد بازدید گردشگران هر قومیت و مذهب از قومیت و مذاهب دیگر و تعداد گفتمان‌های شکل‌گرفته و وبینارهای برگزار شده است.

ایکنا- به عنوان سؤال پایانی ارزیابی شما از عملکرد تقریبی جمهوری اسلامی ایران و تغییر ذهنیت‌های دیگر ملت‌های مسلمان نسبت به ایده‌های جمهوری اسلامی ایران پیرامون وحدت چیست؟

واقعیت آن است که در حال حاضر جهان اسلام از یک بدنه چندپاره تشکیل شده و در هر قسمت آن تفکرات مختلفی وجود دارد؛ از طیفی که شیعه را تکفیر می‌کنند تا طیفی که معتقد به عدم اختلاف با شیعیان هستند، ولی اتفاق مهمی که بعد از طوفان‌الاقصى رخ داد آن است که جمهوری اسلامی ایران نشان داد باید جهان اسلام اقتدار داشته باشد تا بتواند در مقابل دشمن مشترک ایستادگی کند؛ دشمنی که تنها به فلسطین بسنده نخواهد کرد و پا را فراتر می‌گذارد و پس از غزه به سراغ لبنان، عراق و سوریه می‌رود.

وقتی دشمن دشمنی خود را ابراز می‌کند ما باید اقتدار خودمان را حفظ کنیم. الحما! توانسته‌ایم تحت فرماندهی مقام معظم رهبری به اقتدار نظامی دست پیدا کنیم و آن را در سطح منطقه تثبیت کنیم.

امروز جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت نظامی در منطقه مطرح است و هیچ کس جرئت حمله به آن را ندارد و همین رژیم صهیونیستی که ادعا می کرد چنان خواهد کرد نهایتاً تجاوزی محدود انجام داد و این نشان دهنده اقتدار است و باید حفظ شود.

این اقتدار سبب می شود تا نگاه های تفرقه انگیز به شیعه و ایران اسلامی کاهش یابد و طبیعتاً نظریات تکفیری رو به اضمحلال و حاشیه روند و حتی سطح معارضان مسلح در کشور و جهان اسلام تقلیل خواهند یافت.

اتفاق خوبی که در یکسال گذشته رخ داد آن بود که حمایت جمهوری اسلامی از غزه استثنایی بود و همه متوجه شدند تنها حامی نظامی مردم غزه که در میانه معرکه قرار دارد، ایران است و این برای همه جا افتاده و دوست و دشمن به آن اذعان دارند و به یک گفتمان مردمی تبدیل شده و افکار عمومی کشورهای اسلامی به حاکمان خود فشار می آورند. تنها کشوری که به غزه کمک نظامی می کند ایران شیعه است و به نظر من حمایت ایران از مردم غزه تئوری تلاش ایران برای شیعه سازی جهان اسلام را با شکست مواجه ساخت.

در واقع به خوبی این مسئله را جا انداختیم که مسئله مهم ما حمایت از مظلوم در مقابل ظالم است و این جا افتادگی پروژه شیعه سازی را که به ما نسبت می دهند باطل می کند البته کامل منتفی نشده ولی کمرنگ شده و این موفقیت بزرگی است که طوفان الاقصی باعث رقم خوردن آن شده و اگر همین رویه پیش برود ان شاء الله نه به عنوان یک نهاد شیعی بلکه به عنوان یک کشور عادل که حامی مستضعفان هست مطرح خواهیم شد و نیز به الگویی برای تقابل با استکبار و حمایت از مظلوم و مردم غزه تبدیل می شویم.